

## عوامل کاهش جمعیت و راهکارهای مقابله با آن

مرضیه رحمتی<sup>۳۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۱۶

### چکیده

با توجه به این که در اسلام بر جمعیت و کثرت اسلامی تأکید شده و پیامبر عظیم الشان اسلام در قیامت به کثرت امت خود مباحثات می‌کند، در اواخر دهه شصت و تمامی دهه هفتاد، افزایش جمعیت در ایران به عنوان یک معضل اجتماعی تلقی شده بود. لذا دولت وقت سیاست و تمامی امکانات کشور را برای کاهش جمعیت بسیج کرد. این سیاست تاکنون نیز آثار خود را گذاشته است. پس مسأله اصلی این نوشتار کشف عوامل کاهش جمعیت با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی می‌باشد. هدف این تحقیق این است که عوامل کاهش جمعیت را استخراج نموده و راهکارهایی برای مقابله به آن را بیابد. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که عواملی مانند افزایش سن ازدواج، مسؤولیت ناپذیری در تربیت فرزند، رواج دیدگاه‌های فمینیستی، تهاجم فرهنگی غرب، مشکلات اقتصادی و ... از جمله عواملی دانسته شده که در سالیان اخیر زمینه ساز کاهش جمعیت جامعه ایران شده است. البته برای هر یک از این عوامل راهکارهایی برای حل آن‌ها پیدا نموده و زمینه را برای افزایش جمعیت به صورت علمی فراهم می‌کند. برخی از راهکارها عبارتند از: کاهش سن ازدواج، تروج مسؤولیت‌پذیری برای تربیت فرزند، مقاله با تفکر فمینیستی، مقابله با تهاجم فرهنگی غرب و حل مشکلات اقتصادی جامعه و بخصوص جوانان.

**واژگان کلیدی:** عامل، کاهش، جمعیت و راه کار.

جمعیت یکی از مولفه‌های اصلی قدرت ملی است. کشوری که جمعیت لازم را ندارد، فاقد فاکتور اصلی قدرت است. به همین دلیل است که مقام معظم رهبری حضرت امام خامنه‌ای روی فرزند آوری و کثرت جمعیت در ایران بسیار تأکید دارد. قبل از دو دهه گذشته دستگاه حکومتی بر اساس محاسبات اقتصادی، بدون توجه به رزاقیت خداوند، تبلیغات گسترده‌ای را برای جلوگیری زاد ولد به راه انداخته بود که متأسفانه این تبلیغات به حدی گسترده و زهر آگین بود که در اعماق روح و روان همسران نفوذ پیدا کرد است و به سادگی این شعار که «فرزند کمتر و زندگی بهتر» از حافظه بلند مدت آنها پاک نخواهد شد.

با درک و فهم جامعه از این واقعیت که کشور با کاهش جمعیت در عرصه‌های سیاسی، نظامی و اقتصادی رو به ضعف پیش رفته و حضرت امام خامنه‌ای نیز به این واقعیت در فرصت‌ها و شرایط مختلف گوش زد نموده است، اکنون مردم و دستگاه دولتی تمام توان خود را به کار گرفته است تا بتواند اندیشه جامعه را عوض نموده و خانواده را تشویق به فرزند آوری کنند، توفیقات آنچنانی نصیب شان نشده است. چه بسا محققان گرامی نیز تا حدودی دست به قلم شده تا با رویکرد دینی و سیاسی و اقتصادی خانواده را تشویق به فرزند آوری کند؛ اما تا کنون با توجه تشویقات پولی چه به صورت وام بلا عوض و چه به صورت پاداش فرزند آوری، هر چند اندک تغییرات به چشم می‌خورد؛ اما قابل توجه نمی‌باشد.

پیشینه کاهش جمعیت در ایران ریشه در قرن سیزده خورشیدی دارد که جمعیت آن کمتر از ده میلیون بوده است؛ اما در دهه ۱۳۵۵ تا دهه ۱۳۶۵ جمعیت ایران یک باره رو به رشد گذاشته است. این امر موجب نگرانی دولت مردان شده بود؛ لذا سیاست محدودیت تنظیم را خانواده را اعمال نموده و این امر موجب کاهش قابل توجه جمعیت ایران شد تا حدی که موجب نگرانی افراد دلسوز به خصوص مقام معظم رهبری شد.

هدف از نگارش این تحقیق این است که چالشهای کاهش جمعیت را شناسایی نموده و راهکارهای مقاله به آن را به صورت علمی و اسلامی به جامعه به صورت عام و همسران به صورت خاص معرفی نماید.

ضرورت این تحقیق وقتی آشکار می شود که به ابتدا به سخنان گوهر بار مقام معظم رهبری توجه شود که ایشان کاهش جمعیت کشور را به عنوان یک هشدار مطرح نموده و به این باور است که حد اقل جمعیت کشور باید در سطح ۱۵۰ میلیون برسد. از این گذشته سازمانهای بین المللی نیز این امر را یاد آوری نموده اند که اگر محدودیت جمعیت ایران به این صورت پیش برود تا ۲۰۵۰ کشور ایران به یک جمعیت کهن سال مواجهه بوده و به شدت نیازمند به نیروی کار خارجی می باشد.

سؤال اساسی که در این تحقیق مطرح می باشد این است که علاوه بر دستگاه دولتی اواخر دهه شصت و دهه هفتاد، چه عواملی موجب کاهش جمعیت در جمهوری اسلامی ایران شده است و چه راهکارهایی برای جلوگیری از آن وجود دارد؟ این نوشتار تلاش می کند تا به سؤال به صورت عام و بخصوص از دیدگاه اسلام پاسخ داده و راهکارهای مناسبی را برای افزایش جمعیت به عنوان یک مؤلفه قدرت ملی پیشنهاد نماید.

## مفهوم شناسی

### جمعیت

به کلیه کسانی که به طور مستمر در یک واحد جغرافیایی (کشور، استان، شهرستان، شهر و یا روستا) به صورت خانوار و خانواده زندگی می کنند، «جمعیت» گفته می شود (کاظمی پور، مبانی جمعیت شناسی، ۱۳۸۸: ص ۳). اما در این تحقیق منظور از جمعیت، مجموعه افرادی است که در مناطق جغرافیایی جمهوری اسلامی ایران زندگی می کنند.

### عامل

منظور از عوامل در این تحقیق مجموعه علل و اسباب هستند که موجب کاهش جمعیت در سرزمین جمهوری اسلامی ایران شده است؛ مثلاً، عوامل فرهنگی، تربیتی، اقتصادی

و اجتماعی و غیره که در جمهوری اسلامی ایران وجود دارند و موجب کاهش جمعیت شده اند.

### کاهش

منظور از کاهش در این تحقیق کم بودی همه چیز نیستند؛ بلکه منظور از کاهش، کم بودی افراد جامعه است که در قلمرو جغرافیایی ایران زندگی می‌کنند.

### راهکار

منظور از راهکارها مجموعه عواملی هستند که مانع کاهش جمعیت در حوزه جغرافیایی ایران می‌شوند. که در تحقیق پیشرو تحت عناوین راهکارهای علمی و اسلامی مورد بررسی قرار گرفتند.

### مبانی نظری تحقیق

درباره جمعیت چهار نظریه کاهش جمعیت، افزایش جمعیت، ثبات جمعیت و حد متناسب زاد ولد وجود دارند که در این مقاله نظریه های کاهش و افزایش جمعیت مورد بررسی قرار می‌گیرند.

### ۱- نظریه کاهش جمعیت

شاید بتوان گفت اولین نظریه پرداز درباره کاهش جمعیت توماس مالتوس (۱۷۶۶م) بوده است. وی اولین کتابش را در ۱۷۹۸ در موضوع عدم تعادل بین جمعیت و وسایل معیشت، به چاپ رساند (حلم سرشت، جمعیت و تنظیم خانواده، ۱۳۷۸: ص ۳۸ - ۳۹).

وی معتقد به کاهش جمعیت بود؛ زیرا وی به این باور بود که منابع طبیعی محدود است و افزایش جمعیت موجب فقر و تنگدستی افراد جمعیت می‌شود. مالتوس مخالف کمک به فقرا و گسترش خانه سازی و تأمین مسکن به ویژه برای طبقات کم درآمد بود؛ زیرا معتقد بود که راهبرد های مزبور جوانان را به ازدواج ترغیب و فقرا را وادار به زیاده خواهی هرچه بیشتر می‌کند (کتابی، درآمدی بر اندیشه و نظریه های جمعیت شناسی، ۱۳۷۷: ص ۲۵).

راه حل اساسی وی برای حل بحران جمعیت، تحدید ارادی زاد و ولد از طریق ازدواج دیر هنگام و پرهیزگاری جنسی قبل و بعد از ازدواج بود. وی بیان می‌کند: از طریق کنترل جمعیت، جامعه‌ای مرفه به وجود خواهد آمد و فقر و تنگدستی ریشه کن خواهد شد (زنجانی و دیگران، جمعیت، توسعه و بهداشت باروری، ۱۳۷۸: ص ۱۹).

## ۲- نظریه افزایش جمعیت

فلاسفه و اندیشمندانی چون ژان بودن، ویلیام تمپل، ویلیام گدوین، فرانسوا پرو، از جمله طرفداران افزایش جمعیت هستند (حلم‌سرشت، جمعیت و تنظیم خانواده، ۱۳۷۸: ص ۱۱). بر اساس این نظریه، کره زمین دارای امکانات و منابع لازم جهت حیات و رفاه انسانی است و نباید از این بابت بیم به خود راه داد. بر مبنای این نظریه، تعداد و تراکم زیاد جمعیت، انسان را به کار بیشتر و رقابت و تولید رو به افزایش وامی‌دارد، که نتیجه آن تولید ثروت است. بنابراین نه تنها نباید از ازدیاد جمعیت بیم داشت؛ بلکه بر عکس، باید با توجه به مزایا و محاسنی که این امر می‌تواند داشته باشد، مانند پیشرفت جامعه و افزایش قدرت حکومت، از آن استقبال کرد. لذا افزایش سریع جمعیت نه تنها مشکلات اقتصادی و گرفتاری ایجاد نمی‌کند، بلکه ازدیاد جمعیت در نیرومندی، قدرت نظامی و اقتصادی نقش مهمی ایفا می‌نماید (سلیمانی فر، بررسی و تبیین موانع افزایش جمعیت با تأکید بر آموزه‌های اسلام، ۱۳۹۴: ص ۱۰).

## پیشینه کاهش جمعیت ایران

حدود ۵۰۰ سال قبل از میلاد مسیح، جمعیت ایران که در مواردی وسعتی بیش از سه برابر وسعت کنونی ایران داشته است ۴۰ تا ۵۰ میلیون نفر بوده است. تا قبل از آغاز قرن چهارده خورشیدی جمعیت ساکن در ایران کمتر از ۱۰ میلیون نفر و سرعت رشد جمعیت بسیار کند بوده است. در فاصله دهه ۱۳۶۵-۱۳۵۵ جهشی در رشد جمعیت ایران اتفاق افتاد. از سال ۱۳۶۷، اعمال سایت‌های تنظیم خانواده موجب شد که نرخ رشد جمعیت با سرعتی استثنایی از رقم ۹۱/۳ در صد در دهه ۱۳۶۵-۱۳۵۵، به رقم ۹۶/۱ درصد در دهه ۱۳۷۵-۱۳۶۵ کاهش

یابد. در حال حاضر ایران در سرانشی کاهش جمعیت است. بر اساس آمار سازمان ملل، جمعیت ایران تا سال ۱۴۴۵ به حدود ۷۹ میلیون نفر با شاخص سالخوردگی ۹/۳۶٪ سپس تا سال ۱۴۸۰ به ۶۲ میلیون نفر با شاخص سالخوردگی ۵/۴۷٪ با کاهش جمعیت مواجه خواهد بود.

بر اساس سناریوی رشد پایین جمعیتی که سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۰ منتشر کرده است اگر ایران به همین صورت به ادامه جایگزینی جمعیتی پردازد و برنامه‌ای برای تعادل آن نداشته باشد در ۸۰ سال آینده جمعیت ۳۱ میلیونی را تجربه خواهد کرد که ۴۷٪ آن را افراد سالمند بالای ۶۰ سال در بر می‌گیرند. با این توصیف روند فعلی جایگزینی جمعیتی در کشور (۸/۱) به هیچ عنوان راضی کننده و منطقی نیست. رهبر معظم انقلاب فرمودند: «من معتقدم که کشور ما با امکاناتی که داریم می‌تواند صد و پنجاه میلیون نفر جمعیت داشته باشد. من معتقد به کثرت جمعیت هستم. هر اقدام و تدبیری که می‌خواهد برای متوقف کردن رشد جمعیت انجام بگیرد بعد از صد و پنجاه میلیون نفر انجام بگیرد» (بیانات در دیدار مسئولان نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۶/۵/۱۳۹۰). به دنبال تذکرات ایشان، دولت در سال ۱۳۹۰ لایحه‌ای مبنی بر لغو قانون تنظیم خانواده تقدیم مجلس کرد اما با کارشناسی برخی از کارشناسان مرکز پژوهش‌های مجلس و استحاله لایحه پیشنهادی، یکبار دیگر مجلس بر لزوم تداوم کنترل جمعیت رأی داد. در اسفند سال ۱۳۹۲ طرح ۴ ماده‌ای «افزایش نرخ باروری و پیشگیری از کاهش رشد جمعیت کشور» از سوی ۸۰ نفر از نمایندگان و با قید دو فوریت به مجلس ارائه و با ۱۲۷ رأی یک فوریت آن تصویب شد.

### عوامل کاهش رشد جمعیت و راهکارهای آنها

جمعیت یکی از مؤلفه‌های اصلی قدرت و اقتدار برای هر کشوری محسوب میشود و پیامدهای مثبت اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، امنیتی برای یک کشور را به همراه دارد. مدتی است که موضوع کاهش جمعیت و نرخ باروری به عنوان یکی از مسائل اصلی کشور ایران در مجامع علمی و فرهنگی و سیاستگذاری مورد بحث و بررسی قرار گرفته و در راستای

افزایش نرخ باروری سیاستهای اصلاحی و همچنین اقداماتی نیز صورت گرفته است. اما بر اساس اصل علیت باید به این حقیقت توجه داشت که هیچ پدیده بدون علل و عوامل نمی تواند عینت خارجی پیدا کند؛ لذا باید ابتدا به دنبال عوامل کاهش جمعیت در جمهوری اسلامی رفت تا با توجه به این عوامل سراغ راهکار حل این معضل یعنی کاهش جمعیت رفت؛ چون هر یک از علل، راهکار مخصوص به خود را دارد، برای حفظ پیوستگی و انسجام مطلب در ذیل هر یک از عوامل کاهش جمعیت و راهکارهای آنها مورد بررسی قرار می گیرد.

## عامل فرهنگی کاهش رشد جمعیت و راهکارها آنها

### الف) تهاجم فرهنگی غرب

یکی از عوامل کاهش رشد جمعیت، تهاجم فرهنگی غرب؛ یعنی مدرنیته است. به بیان دیگر، یکی از عوامل تغییر سبک زندگی دینی به سبک زندگی غربی است که ریشه در اومانیسم، رفاه زدگی دارد. جامعه ایران به جای این که به اصول زندگی اسلامی توجه داشته باشد به زندگی اومانیستی گرایش پیدا نموده است؛ لذا آنچه که برای انسانها با این نوع فرهنگ گرایش دارد رفاه و آسایش است که با فرزند آوری و تحمل فرزند پروری همخوانی ندارد. با توجه به این اصل است که برخی از نویسندگان می گویند: مهمترین عامل کاهش رشد جمعیت جایگزینی سبک زندگی دینی به سبک زندگی مدرن و مادی گرا است که زندگی افراد را از نظر فرهنگی تحت تأثیر خود قرار داده است. هر چند مدرنیته در ابتدا در قالب ورود صنعت و فناوری اقتصادی، رخ نمود و آسایش و رفاه از مزایای آن محسوب می شد، با گذشت زمان مبانی اعتقادی، اجتماعی و فرهنگی خود در لایه های مختلف زندگی ایرانیان وارد کرد و بر سبک زندگی آنها در حوزه های فردی، خانوادگی و اجتماعی تأثیر گذاشت و کم کم سبک زندگی غربی؛ یعنی، فرهنگ در کشور گسترده شد. یکی از پیامدهای فرهنگی مدرنیته؛ یعنی، تهاجم فرهنگی غرب، کاهش زاد و ولد و سیر نزولی جمعیت است. به تدریج مضرات مدرنیته که سبک زندگی دینی را نفی می کرد بر فواید آن که بعد رفاهی و آسایش زندگی انسانها را پوشش میداد، سایه افکند، تا آنجا که بخشی از از

توصیه‌ها و آموزه‌های دینی، فدای رفاه و آسایش سبک زندگی مادی گرا شد؛ به نحوی که انسان در خدمت راحتی و آسایش آن قرار گرفت، نه رفاه در خدمت انسان (Lifestyle, ۱۹۹۷, pp ۲۱).

در فرهنگ غرب؛ یعنی، سبک زندگی مادی گرا، مهمترین امری که برنامه‌های زندگی بر پایه آن نهاده می‌شود، راحتی و آسایش خود فرد است و آنچه که بارفاه و آسایش فردی در تضاد باشد، مطلوب نیست و باید کنار گذاشته شود. از آنجایی که تولد و پرورش فرزند با سختی و زحمت برای پدر و مادر همراه است، آنان از داشتن فرزندان بیشتر استقبال نمی‌کنند؛ زیرا این سختی، با رفاه و آسایشی که در زندگی مدرن برای فرد، تعریف شده سازگار نیست. از این رو خانواده‌ها یا فرزند ندارند یا این که به تعدادی از فرزند بسنده کرد که با رفاه آنها، منافات زیادی نداشته باشد (عباس ولدی، ایران! جوان بمان!، ۱۳۹۲: ص ۱۵۴).

### ب) راهکارهای مقابله با تهاجم فرهنگی رفاه زده غربی

در فرهنگ غرب که مبتنی بر مکتب اومانیسم و سکولاریسم است، فرد، رفاه و آسایش انسان محوریت دارد. به بیان دیگر، در فرهنگ غرب دنیا و ماده گرایی اصالت داشته و فکر جامعه غربی بیش از این قد نمی‌دهد. در فرهنگ مادی و رفاه طلب غرب، فراموش کردن هدف خداوند از خلقت انسان، او را به بیراهه کشانده است. از این رو، آنچه نجات بخش انسان گرفتار به زندگی مادی است، درک هدف درستی از زندگی با رویکرد سبک زندگی دینی و اسلامی است. بر اساس فرهنگ قرآنی زندگی مادی و دنیایی نه تنها هدف آفرینش نیست؛ بلکه قرآن کریم و زندگی در آن را لهو بیهوده، بازی متاع اندک می‌داند مگر این که انسان اهداف بالاتری در نظر گرفته باشد که زندگی دنیا زمینه رسیدن به آنها را فراهم کند. در قرآن کریم آیات زیادی در مذمت آن ذکر شده است. گاهی زندگی در آن را لهو و لعب می‌داند: «اعلموا انما الحیاة الدنیا لعبٌ ولهو و زینةٌ و نفاخر بینکم و تکاثر فی الاموال و الاولاد کمثل غیثٍ اعجب الکفار نباته ثم یهیج فتراه مصفراً ثم یكون حطاماً و فی



الْآخِرَةَ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَغْفِرَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٌ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ» (حدید، ۲۰)؛ بدانید که زندگی دنیا در حقیقت بازی و سرگرمی و آرایش و فخر فروشی شما به یکدیگر و فزون جویی در اموال و فرزندان است [مث ل آنها] چون مث ل بارانی است که کشاورزان را رستنی آن [باران] به شگفتی اندازد سپس [آن کشت] خشک شود و آن را زرد بینی آنگاه خاشاک شود و در آخرت [دنیا پرستان را] عذابی سخت است و [مؤمنان را] از جانب خدا آمرزش و خشنودی است و زندگانی دنیا جز کالای فریبنده نیست. گاهی از زندگی به متاعی فریبنده تعبیر می کند: «فَازَ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ» (آل عمران، ۱۸۵)؛ و زندگی دنیا جز مایه فریب نیست. یا می فرماید: «فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ» (توبه، ۳۸)؛ زندگی دنیا نسبت به زندگی آخرت چیزی اندکی است. آیا به جای آخرت به زندگی دنیا دل خوش کرده اید متاع زندگی دنیا در برابر آخرت جز اندکی نیست. در برخی از آیات آمده که زندگی آخرت نسبت به زندگی آخرت برتری دارد: «وَلَلْآخِرَةُ خَيْرٌ لَّكَ مِنَ الْأُولَى»؛ و قطعاً آخرت برای تو از دنیا نیکوتر خواهد بود.

تمامی این آیات و آیات مشابه دیگر بر خلاف فرهنگ منحط غرب نشان دهنده این واقعیت است که زندگی دنیا و حتی آسایش و رفاه در آن اصالت ندارد. البته اسلام با رفاه جامعه مخالف نیست. آنچه که اسلامی به آن مخالف می باشد این است که انسان دنیا و زندگی دنیایی را هدف نهایی خود قرار داده و رفاه و آسایش در آن موجب شود که انسان از زاد و ولد اجتناب نماید. به بیان دیگر، «بهتر است سختیهای زندگی و رفاه طلبی مانع ازدواج و تکثیر نسل که از مهمترین دستورات الهی است، نگردد (محمودی، عوامل کاهش رشد جمعیت و راه های برون رفت از آن از منظر قرآن کریم، ۱۳۹۴: ص ۵۹).

### عامل تربیتی کاهش رشد جمعیت

یکی از عوامل که موجب کاهش جمعیت می شود، بحث تربیت فرزندان است. با ازدیاد جمعیت و تعداد بیشتر اعضای خانواده کیفیت تربیت ضعیف می شود؛ یعنی، والدین نمیتوانند به تربیت فرزندان شان رسیدگی کنند.

## الف) کاهش کیفیت تربیت با افزایش تعداد فرزندان

یکی از عوامل که موجب کاهش جمعیت می‌شود، نگرانی از کیفیت تعداد فرزندان بیشتر است. هر اندازه که تعداد فرزندان بیشتر شود، فرصت کمتری برای امور تربیتی و اخلاقی تک تک آنها در دست خواهد بود. به عبارت دیگر، داشتن یک فرزند و تربیت او به صورت انسانی کارآمد، هماهنگ با اجتماع، مسئولیت پذیر و مفید برای جامعه، باری دوش والدین می‌گذارد (همان، ص ۶۸).

از این گذشته «پدر و مادرها با در نظر گرفتن شرایط جامعه، از این که فرزندان در سنین نوجوانی و جوانی پس از ورود به اجتماع، دچار ناهنجاری‌ها و بی بندباری‌های اخلاقی شوند، واهمه دارند. بنابراین، راهی که برای گریز از این مشکل به نظرشان می‌رسد، داشتن فرزندان کمتر است تا آسان تر بتوانند بر رفتار و کردار آنها نظارت کنند و آینده‌ی موفق تری را برایشان رقم بزنند (همان، ص ۷۲).

## ب) راهکارهای کاهش کیفیت تربیت

در صورتی که والدین تمامی تلاش‌شان بر جمع آوری پول و ثروت نهفته باشند و برای این امر زن و مرد به صورت چند شفته کار کنند، قطعاً فرصت کافی برای تربیت بهتری فرزندان‌شان پیدا نمی‌کنند؛ لذا برخی از نویسندگان به صورت صریح به امر اشاره نموده و می‌گویند: یکی از دلایلی که پدران و به خصوص مادران به فرزند کمتر اکتفا می‌کنند، نداشتن فرصت کافی برای تربیت مناسب فرزندان است. به طور طبیعی پدر و مادری که بیشتر زمان خود را بیرون از محیط خانه می‌گذارند، نمی‌توانند وقت قابل توجهی را به تربیت فرزندان خود اختصاص دهند، بنابراین تصمیم به تک فرزندی یا فرزند نداشتن می‌گیرند. از این رو، راهگشایترین امر جهت گشایش وقت مورد نیاز پدر و مادرها، تغییر مولفه‌های سبک زندگی رفاه طلب به سبک زندگی دینی و در حد کفاف، است (همان، ص ۶۹).

علاوه بر ضرورت مدیریت زمان برای والدین، پرورش و تربیت فرزند، سختی‌هایی را به همراه دارد که تحمل آن برای پدران و مادران قدری مشکل بوده و نیاز به صبر و بردباری

داشته و ظرفیت های روحی و جسمی ویژه ای را می طلبد. بدیهی است که یکی از انواع صبر که در آیات و روایات بر آن تأکید شده است، صبر بر مشقت عبادت و اداء فرائض است. بی تردید، صبر در برابر سختی های تربیت فرزند نیز، از انواع صبر بر سختی عبادت و انجام فرائض محسوب می شود (همان، ص ۷۰).

تمامی سختی های که والدین برای فرزندان شان چه از نظر بارداری و چه از نظر تربیت، متحمل می شود، دارای پاداشی است که خداوند به والدین و بخصوص مادر عنایت می کند. امام خمینی خطاب به دخترش که از شلوغی و شیطنت فرزندانش شکوه داشت، می فرمود: «من حاضرم ثوابی که تو از تحمل شیطنت حسین می بری، با ثواب تمام عبادات خود عوض کنم.» (ستوده، پا به پای آفتاب؛ گفته ها و نا گفته ها از زندگی امام خمینی قدس سره، تهران، بی تا: ج ۱، ص ۱۰۷).

لازم به ذکر است که نگرانی های محیطی عمومیت دارد. چه یک یا چند فرزند داشته باشد، وقتی فرزندان به مرحله نوجوانی و جوانی می رسند، نگرانی انحرافات به اثر عوامل محیطی وجود دارد. با این استدلال باید به صورت کلی والدین از فرزند آوری صرف نظر کنند. البته از دیدگاه اسلام محیط جبر آور نیست و با مدیریت دوران های که در رحم مادر است یا یا تازه به دنیا آمده است، می توان کازی نمود که در دوران جوانی و نوجوانی بچه ها تحت تأثیر عوامل محیطی قرار نگیرد. چنان که برخی از محققان می گوید: فرزندان صالح در صورت پاکیزگی صلب پدران و رحم مادران، مومن و صالح بودن آنها و دوری کردن آنها و دوری کردنشان از لقمه حرام، تولید می شود. چنان چه در زیارت وارث در باره امام حسین (ع) آمده است: «أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ نُورًا فِي الْأَصْلَابِ الشَّامِخَةِ وَالْأَرْحَامِ الطَّاهِرَةِ لَمْ تُنَجِّسْكَ الْجَاهِلِيَّةُ بِأَنْجَاسِهَا (طوسی، تهذیب الاحکام، ۱۳۸۶: ص ۶۰)؛ من شهادت می دهم که شما نوری در صلب های عالی مرتبه و رحم های پاک بودید و به هیچ وجه پلیدی های جاهلیت در شما وجود نداشت. یعنی، در صورت رحم پاک باشد، جایی نگرانی در دوران جوانی و نوجوانی وجود دارد. از طرف دیگر، پدر و مادر نا پاک و کافر موجب تولد فرزندان

نا پاک می‌شود. چنان که در قرآن کریم آمده است: وَقَالَ نُوحٌ رَبِّ لَا تَذَرْ عَلَيَّ الْأَرْضَ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا (نوح، ۲۶)؛ إِنَّكَ إِن تَذَرَهُمْ يُضِلُّوا عِبَادَكَ وَ لَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا (نوح، ۲۷)؛ و نوح گفت: پروردگارا از این کافران هیچ کس بر زمین باقی نگذار. زیرا اگر آنان را باقی گذاری بندگان را گمراه می‌کنند و جز گناهکار و کفرپیشه نمی‌زایند. از این آیه استفاده می‌شود که عملکردهای ناشایسته و باورها و اعتقادات غلط نقش بسیار مهمی در فسق و فجراهای فرزندان دارد. بنابراین، تنها محیط نیست که بر رفتار و کردار فرزندان تأثیر می‌گذارد؛ بلکه رفتار، کردار و باورهای والدین نیز تأثیر گذار می‌باشد.

### عامل افزایش سن ازدواج جوانان

یکی از عوامل کاهش جمعیت افزایش سن جوانان به حساب می‌آید. که در زیر این مشکل و راهکارهای آن مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### الف) افزایش سن ازدواج جوانان

یکی از عوامل کاهش جمعیت در جمهوری اسلامی ایران افزایش سن ازدواج است. اما این که چرا سن ازدواج جوانان افزایش پیدا کرده است، دلایل مختلفی دارد. برخی از نویسندگان دلایل افزایش سن ازدواج را به این صورت بیان می‌کنند: «افزایش سطح تحصیلات، افزایش امکان اشغال زنان و نیز فزونی گرفتن آمل و آرزوهای اقتصادی زوجین و خانواده‌ها بر شرایط واقعی توانایی‌های اقتصادی آنان منجر به تأخیر در سن ازدواج شده است» (عباسی شوازی و همکاران، تحولات باوری در ایران در چهار دهه ی اخیر، کاربرد و ارزیابی روش فرزندان خود در برآورد باروری با استفاده داده های سر شماری ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۰، ۱۳۹۲، ص ۷).

تحقیقات میدانی نیز نقش افزایش سن ازدواج را در کاهش جمعیت موثر می‌دانند؛ لذا برخی از نویسندگان می‌گویند: «تحقیقات نیز نشان می‌دهد که حدود ۲۵ تا ۳۰ درصد کاهش باروری در ایران ناشی از افزایش سن ازدواج و کاهش نسبی تعداد باروری در ایران ناشی از افزایش سن ازدواج و کاهش نسبی تعداد ازدواج هاست (عرب، بررسی پیامدهای

کاهش باروری جمعیت و عوامل تأثیر گذار در آن، گفت و گو با دکتر محمد جواد محمودی، ص ۲۷).

رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز «در مورد بالا رفتن سن ازدواج هشدار داده و آن را یکی از عوامل مهم محدود کننده ی باروری قلمداد می کند و ریشه یابی علل آن را ضروری می داند» (بیانات مقام معظم رهبری جمع دست اندرکاران همایش ملی تغییرات جمعیتی، ۶/۸/۱۳۹۲).

### ب) راهکار حل مشکل افزایش سن ازدواج

راهکار اول ذکر آیات و روایاتی است که جوان جوامع اسلامی را به ازدواج زود هنگام تشویق می کند. در این باره روایاتی زیادی وجود دارند. از جمله روایات ذیل است: امام باقر (علیه السلام) می فرماید: دختر وقتی به سن نه سالگی می رسد از یتیمی بیرون می آید و می تواند ازدواج کند (حر عاملی، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، ۱۳۸۶: ج ۱، ص ۳۰). یا می فرماید: دختر وقتی به سن نه سالگی برسد و تزویج نماید، از یتیمی خارج شده و اموالش را می توان به او واگذار نمود (همان، ج ۱، ص ۳۱). در احوالات رسول خدا (صلی الله علیه و آله) آمده است: ان رسول الله دخل بعایشه و هی بنت عشر سنین و لیس یدخل بالجاریه حتی تکون امرئه؛ همان. پیامبر در حالی با عایشه ازدواج کرد که عایشه ده ساله بود و ایشان با دختری ازدواج نمی کرد مگر این که بالغ باشد (و منظور از دختر ده ساله در این روایت، نه سال تمام است). و نیز امام باقر فرموده است: لَا تَدْخُلُ بِالْجَارِيَةِ حَتَّى يَتِمَّ لَهَا تِسْعُ سِنِينَ أَوْ عَشْرُ سِنِينَ وَ قَالَ أَنَا سَمِعْتُهُ يَقُولُ تِسْعٌ أَوْ عَشْرٌ (ابن بابویه، الخصال ۱۳۸۴: ج ۲ ص ۴۲۰)؛ هم بستر شدن و ازدواج با دختر قبل از نه یا ده سالگی جایز نیست.

راهکار دوم اطلاع رسانی توسط نخبگان و علما است. تلاش نخبگان جامعه در احیای فرهنگ ازدواج و فرزندآوری، ترویج ازدواج آسان و گسترش فرهنگ عفاف و حجاب از جمله راهکارهای هستند که بر پایین آمدن سن ازدواج تأکید می کنند. مقام معظم رهبری مسئولان جامعه، نخبگان، روحانیون و دیگر کسانی را که منبرهای تبلیغاتی دارند، در فرهنگ

سازی برای افزایش جمعیت سهم می‌دانند و ظرفیت کشور را برای پذیرش جمعیت ۱۵۰ تا ۲۰۰ میلیون نفر مناسب می‌داند (بیانات مقام معظم رهبری در جمع مسئولان نظام، ۳/۵/۱۳۹۱). به عقیده معظم له، نخبگان جامعه، شامل علما، روحانیون، اندیشمندان حوزه و دانشمندان می‌شوند. (محمودی عوامل کاهش رشد جمعیت و راه‌های برون رفت از آن از منظر قرآن کریم، ۱۳۹۴: ص ۸۶). بر اساس آیه نفر علمای دین وظیفه دارند که احکام دین و معارف اسلامی که از جمله افزایش امت حضرت محمد (ص) است را آموخته و سپس آنها را به مردم خودشان ابلاغ کنند. این یک وظیفه است که روشنفکران، نخبگان و علما باید با آن مبادرت ورزند.

### عامل فمینیستی

#### الف) سقط جنین مبتنی بر تفکر فمینیستی

بر اساس تفکر فمینیستی که مبتنی بر اصل اومانیتی، فردگرایی و منفعت‌گرایی است، زن مالک جسم و بدن خود می‌باشد. بر اساس این تفکر، زن این آزادی را دارد که در بدن خود دخل و تصرف داشته باشد. به عقیده فمینیستها جنین بخشی از بدن زن بوده و می‌تواند آن را سقط دهد. بر اساس تفکر فمینیستی لزومی ندارد که زن زندگی خود را فدا کند تا دیگران؛ یعنی، جنین و طفل زندگی کند و همچنین لزومی ندارد که زن رنج و درد بارداری را تحمل کند تا دیگران بیاساید. بر اساس این اندیشه کودک آزادی پدر و مادر را مقید نموده و فرصتهای شغلی برابر را از آنها سلب می‌کند؛ لذا مادر مجاز است قبل از تولد جنین را سقط داده و خود را از درد و رنج آن رهایی ببخشد.

#### ب) راهکار سقط جنین بر اساس تفکر اسلامی

به فرض این که بنا بر گفته فمینیستها، جنین جزء بدن مادر باشد، از نظر اسلام، آدمها اعم از زن و مرد حق صدمه زدن به بدن خود را ندارند. خداوند در قرآن کریم در این باره می‌فرماید: **وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ** (بقره، ۱۹۵)؛ خود را به دست خود، به هلاکت نیفکنید. اگر جنین جدایی از بدن مادر باشد که اسلام را آن جدا می‌داند، باز هم مادر حق

ضربه یا قتل و سقط آن را ندارد؛ زیرا از نظر اسلام این امر قتل نفس محترمه شمرده شده و حرام می‌باشد. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا (مائده، ۳۲)؛ هر کس، انسانی را بدون ارتکاب قتل یا فساد در روی زمین بکشد، چنان است که گویی همه انسانها را کشته. علاوه بر همه این‌ها بارداری و وضع حمل برای زنان از دیدگاه اسلام یک ارزش تلقی شده و حتی می‌توانند با جهاد مردان در راه خدا برابری کنند. برخی از نویسندگان در این باره می‌گویند: «در برخی روایات، بارداری هم تراز ارزشهای بزرگی همچون جهاد در راه خدا قرار گرفته است. امام صادق (ع) فرموده است: ام سلمه به پیامبر عرض کرد: ای رسول خدا، مردها همه ی خیرها را به چنگ آوردند؛ پس برای زنان بیچاره چه سهمی است؟ حضرت در پاسخ فرمود: چنین نیست. زن در هنگام بارداری به منزله ی کسی است که روزها روزه دار و شب‌ها در حال عبادت است و با مال و جانش در راه خدا جهاد می‌کند. پس زمانی که وضع حمل کند، مستحق پاداشی می‌گردد که به سبب بزرگی آن، هیچ کس توان درکش را ندارد و آنگاه که کودکش را شیر می‌دهد، در ازای هر مکیدنی معادل آزاد کردن یکی از فرزندان اسماعیل که وقف عبادت خدا شده، به وی پاداش تعلق می‌گیرد. پس هنگامی که از شیر دادن فارغ گردید، فرشته ی بزرگواری بر پهلوی او زده، می‌گوید: اعمال خود را سرگیر، به درسی که تمام گناهانت آمرزیده شد» (حر عاملی، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، ۱۳۸۶: ج ۲۱، ص ۴۵۱).

## عامل اشتغال زنان

### الف) اشتغال زنان و کاهش جمعیت

امروزه بسیاری از زنان در سازمان‌ها، ادارات، مراکز دولتی و خصوصی مشغول کار هستند و برخی هم در مشاغلی اشتغال دارند که غیر ضرور یا غیر مرتبط با وظیفه زنان بوده و در حیطه و مسئولیت مردان است. این مشاغل که هیچ سنخیتی با جسم و روح زن ندارد. این موضوع باعث شده زنان بیشتری در خارج از خانه مشغول به کار شوند. تا آنجا که شاغل بودن، یک ارزش برای آنان محسوب شده و این دسته از زنان به زنان خانه دار که مشغول

تربیت فرزند هستند فخر می‌فروشند و خود را یک سر و گردن بالاتر از آنان می‌دانند. از این رو، این زنان به خاطر ترس از دست دادن کار و موقعیت اجتماعی خود، پا بر روی میل مادری خود می‌گذارند و تنها به یک فرزند فکر می‌کنند (حسینی طهرانی، کاهش جمعیت ضربه‌ای سهمگین بر پیکر مسلمین، مؤسسه ترجمه و نشر دوره علوم و معارف اسلامی، ۱۳۴۵: ص ۸۸). بدین سان این گروه از زنان با در پیش گرفتن شیوه‌ای نادرست و با برعهده گرفتن وظیفه‌ای نابجا - و حتی در موارد بسیاری غیر ضروری - میل به همسر شدن و تمایل مادری و فرزند آوری را در خویش به شدت دچار صدمه می‌کنند.

### ب) راهکار مشکل اشتغال زنان

در اسلام وظایف زنان مشخص هستند. بر اساس منابع اسلامی، اولین وظیفه زن همسر داری است. دومین وظیفه زنان فرزند آوری و تربیت فرزند است. سومین وظیفه زنان خانه داری است. و چهارمین وظیفه زنان فعالیت‌های اجتماعی در محیط غیر مختلط است. در هیچ شرایطی بخاطر احترام که اسلام به زن داده است، اجازه فعالیت در محیط آمیخته به مردان را به او نمی‌دهد. عدم تجویز در محیط مختلط بر اساس روایات و سیره اهل بیت عصمت و طهارت است. در سیره فاطمه زهرا (س) آمده که ایشان پس تقسیم کار میان او و حضرت علی (ع) توسط پیامبر عظیم و شأن و واگذاری کارهای خانه به حضرت زهرا (س) و کارهای بیرون از خانه به حضرت علی (ع)، بسیار خوشحال شد. از وی در باره این خوشحالی سؤال شد، حضرت فرمود که فعالیت‌های درون خانه از قبیل همسر داری، فرزند آوری و فرزند پروری و اداره امور خانه، باعث می‌شود که چشمم به چشم نا محرمان نخورد و این موجب خوشحالی برای من است.

ناگفته پیداست که اسلام با فعالیت‌های اجتماعی زنان مخالف نیست؛ اما این را نیز نمی‌پسندد که زنان از صبح تا شب در فکر تأمین معاش باشند و فرصت و حوصله کافی برای تربیت و رسیدگی به فرزندانشان را که اولویت اول آنان است، نداشته باشند. اسلام با تقسیم کار و واگذاری تربیت فرزندان به زنان و ملزم کردن مردان به تأمین هزینه‌های اقتصادی



همسر و فرزندان، هرگونه اجباری را از دوش زنان برداشته تا آنان بدون هر گونه نگرانی و تشویش در اندیشه تربیت فرزندان به عنوان وظیفه اصلی خود باشند. البته این اندیشه درست برخلاف تفکرات دنیای مدرن و مادی است که به زنان - به اصطلاح - آزادی داده تا آنان را از بردگی در خانه رهایی بخشد؛ غافل از آنکه زن به بردگی مدرن و فشار کار مضاعف سپرده شد (سالاری مقدم، مادران شاغل و تربیت فرزند، ۱۳۸۴: ص ۲۷). و از رهگذر این آزادی ظاهری، بسیاری از ارزش های اصیل زن، همچون: متانت و وقار، حیا و عفت، محبت مادری و نقش تربیتی زن از وی سلب گردیده است.

### راه کارهای افزایش جمعیت با رویکرد علمی و اسلامی

برای کاهش جمعیت راه کارهای وجود دارد که به برخی از سر فصل های آنها به صورت فهرست گونه ذکر می شود. راه کارهای افزایش جمعیت را میتوان به دو صورت تقسیم نمود: راه کارهای علمی و راه کارهای اسلامی. اینک به صورت خلاصه هر یک از آن دو ذکر می شود.

#### الف) راه کارهای علمی

کاهش سن ازدواج؛

کاهش طلاق؛

ایجاد توازن بین تحصیل و اشتغال زنان و وظایف آنان در خانواده؛

ترویج خانواده گسترده؛

کاهش نرخ شهری نشینی و ترویج مهاجرت معکوس؛

بزرگتر کردن منازل و کاهش آپارتمان نشینی؛

مرتفع ساختن مشکلات اقتصادی؛

از بین بردن فرزند سالاری؛

عدم تحقیر کار خانگی و مادری؛

تغییر در سبک زندگی؛

رشد آگاهی مردم از طریق رسانه های جمعی؛

ترویج فواید فرزند آوری در سلامت زنان؛

تبیین مضرات پیری جمعیت (خضرائی، بررسی سیاست های عدم کاهش جمعیت

از منظر علم و دین، ص ۳۹ تا ۵۸).

### ب) راه کارهای اسلامی

اسلام علاوه بر پذیرش راه کارهای علمی، راه کارهای دیگری را نیز پیشنهاد نمود

است که به صورت خلاصه در زیر ارائه میشود:

ترغیب جوانان به ازدواج؛

تمهید ازدواج آسان؛

تشویق زوجین به فرزند آوری؛

افزایش اولاد صالح و با آیمان؛

تروج مسئولیت پذیری برای تربیت فرزند؛

عدم ترس از مشکلات اقتصادی؛

اهمیت بقای نوع بشر؛

حفظ کثرت نسل مسلمانان؛

توجه به روایات موید فرزند آوری؛

توجه به سیره و دیدگاه های علمای اسلام؛

حفظ جوان بودن جمعیت جامعه؛

فراهم نمودن شرایط سلامت فرزندان؛

توجه به تربیت اولاد؛

توجه به معنویت؛

عدم توجه زنان مسلمانان به باورهای فمینیستی. (همان، ص ۵۸ تا ۹۳).

### آثار و پیامدهای کاهش جمعیت

تحقیقات میدانی نشان می‌دهد که میزان باروری از سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۰ کاهش چشمگیری داشته است (محمودی، عوامل کاهش رشد جمعیت و راه‌های برون رفت از آن از منظر قرآن کریم، ۱۳۹۴: ص ۹۰) و این امر موجب کاهش جمعیت شده و کاهش جمعیت، آثار و پیامدهای فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی می‌شود که اینک هر از این آثار به صورت خلاصه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### آثار فرهنگی کاهش جمعیت

یکی از آثار فرهنگی کاهش جمعیت، آثار اخلاقی و تربیتی است. منظور از آثار اخلاقی و تربیتی این است که در صورت کاهش رشد جمعیت، غالب خانواده‌ها با تک فرزندی زندگی را سپری می‌کنند. فرزندان که به تنهایی که در یک خانواده زندگی می‌کنند، بسیار پر توقع بوده و دوست دارد که همه کس و همه چیز در خدمت آنان باشد. «از این رو، فرزندان در چنین خانواده‌های با مفاهیم ارزشی و اخلاقی ای نظیر کف نفس، قناعت، ایثار، گذشت، کمک به هم‌نوعان، صبر، شکیبایی، تحمل مدارا و ... بیگانه خواهند بود و در جهت کسب استقلال شخصیتی خود تلاش نمی‌کنند. بنابراین، اگر نگرش دینی قناعت، ایثار، گذشت، همیاری، کمک به هم‌نوعان، کار و تلاش برای رشد و راحتی دیگران و سایر ارزشهای اخلاقی، به خود خود ارزش است و رفاه و لذت مادی در درجه دوم اعتبار و اهمیت قرار دارد، سیاست‌های کاهش جمعیت تا حد پیدایش خانواده‌های تک فرزندی، امری نامطلوب خواهد بود» (فولادی، تأملی در سیاست‌های کنترل جمعیت، آثار و پیامدهای آن، ۱۳۹۰: ص ۱۶۳).

### آثار اجتماعی کاهش جمعیت

یکی از آثار اجتماعی کاهش جمعیت، سالخوردگی و کهن سالی و پیر شدن جمعیت است. برخی از نویسندگان در این باره می‌فرمایند: «کاهش جمعیت به سالمندی جمعیت می‌انجامد؛ به این معنا که هرم سنی جمعیت، از جوانی به سالخوردگی انتقال می‌یابد. بدین ترتیب، پویایی و نشاط اجتماعی نیز کم کم از بین می‌رود. در این شرایط ناامیدی

بر جامعه سایه می افکند و جامعه به سمت محو شدن کامل حرکت می کند» (محمودی، عوامل کاهش رشد جمعیت و راه های برون رفت از آن از منظر قرآن کریم، ۱۳۹۴: ص ۹۱). چالش پیر شدن جمعیت ناشی از جلوگیری زاد ولد در حال حاضر در بسیاری از کشورهای اروپایی مانند انگلستان، فرانسه، سوئید، ایتالیا، بلژیک، نروژ و ... در حال حاضر تحقق یافته و بسیاری از این کشورها برای رونق بخشیدن به امور زندگی روز مره خودشان به دنبال پذیرش مهاجران از کشورهای دیگر، بخصوص کشورهای مشرق زمین هستند (گاردنر، جنگ علیه خانواده، ۱۳۸۷: ص ۲۸۸). علاوه بر این، کشورهای که یک سوم جمعیت شان را افرادی بالای ۶۰ سال تشکیل دهد، «ممکن است تعامل بین نسل جوان و گروه سالمندان با دشواری روبه رو شود. به هم خوردن توازن جمعیتی نسل ها از یک سو و از سوی دیگر تغییرات هنجارهای فرهنگی و ترویج عقلانیت اقتصادی، مسأله شکاف نسلی را تشدید خواهد کرد (همان، ص ۹۲).

### آثار اقتصادی کاهش جمعیت

به اعتراف جمعیت شناسان و اقتصاددانان غربی، کاهش جمعیت از عوامل مؤثر بحران اقتصادی است؛ زیرا کاهش جمعیت، که پیری جمعیت را به همراه خواهد داشت، خود مانعی برای رشد و توسعه ی اقتصادی است. با کاهش جمعیت جوان و آماده به کار در کشور، تعداد نیروی کار نیز کاهش یافته و فعالیتهای اقتصادی در بازار کار تحت تأثیر قرار خواهد گرفت؛ زیرا در پی کم شدن نیروی کار، تولید هم کم خواهد شد و نیروی سا، افزایش می یابد. در این صورت تناسبی بین تولید ثروت و مصرف آن نخواهد بود و به تعبیر کارشناسان، نوعی مرگ اقتصادی رخ خواهد داد. با کاهش نیروی انسانی کار، باید زنان که مادران جامعه هستند، مشغول کار شوند و این خود گامی در جهت عدم تمایل به فرزندآوری می باشد. از سوی دیگر پیر شدن جمعیت نه تنها عامل رکود اقتصادی است، بلکه هزینه های فراوانی را نیز متحمل جامعه می کند. وقتی نیمی از جمعیت یک کشور، ساخورده باشد نیمه

جوان جمعیت باید انرژی خود را صرف نگهداری و خدمات رسانی به نیمه سالخورده کنند و این بزرگترین چالش اقتصادی است.

مشکل دیگر این است که در جوامعی که خانواده ها به سمت تک فرزندی می روند، سالمندان یک ضرورت می شود. زیرا اگر یک فرزند به تهایی بخواهد بار نگهداری از والدین را در سنین میانسالی به دوش بکشد، باید از بخشی از کار و فعالیت اقتصادی خود چشم پوشد. این در حالی است که مسئولیت نگهداری از والدین در خانواده های چند فرزندی، بین فرزندان تقسیم خواهد شد. در نتیجه در جوامع تک فرزندی دولت باید وارد عمل شده و از سالمندان نگهداری کند. همچنین افزایش هزینه های بهداشت و درمان، افزایش بار صندوق های بازنشستگی و تامین اجتماعی، از جمله مشکلات اساسی سالخوردگی جمعیت است که در صورت ادامه روند کاهش باروری، کشور ما نیز در آینده با بسیاری از این مشکلات رو به رو خواهد شد (کاظمی پور، مبانی جمعیت شناسی، ۱۳۸۳: ص ۷). به علاوه با افزایش سالمندان در جامعه، هزینه های پرداخت حقوق بازنشستگی افزایش می یابد. به بیانی دیگر، افزایش سالمندان نیاز به خدمات بیشتری را ایجاد می کند و این در حالی خواهد بود که کسانی که هزینه های این خدمات را فراهم می کنند، تعداد کمتری از افراد جامعه را نسبت به دریافت کنندگان خدمات تشکیل خواهند داد (عباسی ولدی، ایران! جوان بمان!، ۱۳۹۲: ص ۴۰).

### آثار سیاسی کاهش جمعیت

نیروی جوان و جمعیت فراوان، یکی از شاخص های اقتدار نظامی و دفاعی است. از فرصت های مهم ناشی از جمعیت کشور، می توان به توانمندی و اقتدار نظامی و سیاسی کشور در عرصه بین المللی اشاره کرد. به طور قطعی، جامعه ای که در سطح بین المللی دارای جمعیت بیشتر و جوان تری است، می تواند دارای ارتش و قدرت نظامی قوی تری نیز باشد. دوران جنگ تحمیلی و حضور جوانان در عرصه های نظامی و عملیات های سرنوشت ساز، برگ برنده ای بود که ایران اسلامی توانست در دوران دفاع مقدس آن را کسب کند. مطمئناً

کشوری که دارای جمعیت اندک و یا پیر باشد، توان رویارویی مقتدرانه در برابر تجاوز بیگانگان را نخواهد داشت (سبحانی نیا، تحدید خانواده، تهدید جامعه، ۱۳۹۱: ص ۲۵-۵۰). بدین سان کثرت عددی جمعیت جوان و با نشاط هم می تواند به صورت مستقیم و با حضور فیزیکی مورد استفاده قرار گیرد و منشأ قدرت باشد و هم به لحاظ فراوانی نوآوری ها و برنامه های تحول آفرینی که ارائه می دهد، می تواند منشأ توانمندی های جدیدی در عرصه فکری و تکنولوژیکی باشد.

### نتیجه گیری

عواملی بسیاری در کاهش جمعیت در جمهوری اسلامی ایران نقش داشته اند. مجموعه ای از این عوامل ذکر شده و برخی از آنها مانند عواملی فرهنگی، تربیتی، افزایش سن و امثال آنها مورد بررسی قرار گرفتند. همچنین راهکارهای برای برای مسأله کاهش جمعیت در جمهوری اسلامی ایران ارائه شده است. در پایان این تحقیق عوامل کاهش جمعیت و راهکارهای آنها و همچنین آثار و پیامدهای آنها مورد بررسی قرار گرفته است.

### فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. صحیفه سجادیه
۴. بیانات مقام معظم رهبری در جمع دست اندر کاران همایش ملی تغییرات جمعیتی، ۶/۸/۱۳۹۲.
۵. بیانات مقام معظم رهبری در جمع مسئولان نظام، ۳/۵/۱۳۹۱.
۶. بیانات در دیدار مسئولان نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۶/۵/۱۳۹۰.
۷. طوسی، محمد بن حسن، «تهذیب الاحکام»، تحقیق موسسه احیاء الکتب الاسلامیه، نور وحی، قم، ۱۳۸۶.

۸. جابری قمی، محمدعلی، «جامع الاحادیث»، کتابفروشی اسلامیة، تهران، ۱۳۶۹ق.
۹. حر عاملی، محمدبن حسن، «وسائل الشیعه»، ج ۱، مؤسسه آل البیت، قم، ۱۳۷۴.
۱۰. حسینی طهرانی، سیدمحمدحسین، «کاهش جمعیت ضربه ای سهمگین بر پیکر مسلمین»، مؤسسه ترجمه و نشر دوره علوم و معارف اسلامی، مشهد، ۱۳۴۵.
۱۱. حلم سرشت، پریش، «جمعیت و تنظیم خانواده»، چ ۱۲، نشر چهره، تهران، ۱۳۷۸.
۱۲. ابن بابویه، محمد بن علی، «الخصال»، جماعه المدرسین بقم المشرفه، مؤسسه النشر الاسلامی، ج ۲، قم، ۱۳۸۴
۱۳. زنجانی، حبیب الله و دیگران، «جمعیت، توسعه و بهداشت باروری»، نشر و تبلیغ بشری، تهران، چاپ پنجم، ۱۳۷۸.
۱۴. سالاری مقدم، مریم، «مادران شاغل و تربیت فرزند»، پایان نامه سطح ۲، مؤسسه علمی - پژوهشی مکتب نرجس علیها السلام، مشهد، ۱۳۸۴.
۱۵. سبحانی نیا، محمد، «تحدید خانواده، تهدید جامعه»، ره توشه راهیان نور، شماره ۱، ۱۳۹۱.
۱۶. ستوده، امیر رضا، «پا به پای آفتاب؛ گفته ها و نا گفته ها از زندگی امام خمینی قدس سره»، ج ۱، نشر پنجره، تهران، بی تا.
۱۷. سلیمانی فر، ندا، «بررسی و تبیین موانع افزایش جمعیت با تأکید بر آموزه های اسلام»، نهمین همایش بین المللی پژوهشهای قرآنی، ۱۳۹۴.
۱۸. صدوق، محمدبن علی، «الخصال»، تصحیح علی اکبر غفاری، ج ۲، انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۷۵.
۱۹. عباس ولدی، محسن، «ایران! جوان بمان!»، جامعه الزهراء، قم، ۱۳۹۲.

۲۰. عباسی شوازی، محمد جلال و حسینی چاوشی، میمنت، «تحولات باوری در ایران در چهار دهه ی اخیر، کاربرد و ارزیابی روش فرزندان خود در برآورد باروری با استفاده داده های سر شماری ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۰»، مرکز آمار ایران، گروه پژوهشی آمارهای اقتصادی، ۱۳۹۲.
۲۱. عرب، «مجموعه گفت و گوهای تغییرات جمعیتی و نقش آن در تحولات مختلف جامعه، گفت و گو با اندیشمندان علوم اسلامی و انسانی»، بررسی پیامدهای کاهش باروری جمعیت و عوامل تأثیر گذار در آن، گفت و گو با دکتر محمد جواد محمودی.
۲۲. خضرائی، علی «بررسی سیاست های عدم کاهش جمعیت از منظر علم و دین» پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد رشته علوم قرآنی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده علوم قرآنی آمل.
۲۳. محمودی، فاطمه، عوامل کاهش رشد جمعیت و راه های برون رفت از آن از منظر قرآن کریم»، پایان نامه ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء، ۱۳۹۴.
۲۴. فولادی، محمد «تأملی در سیاست های کنترل جمعیت، آثار و پیامدهای آن»، مجله معرفت فرهنگی اجتماعی، س ۳، ش ۱، ۱۳۹۰.
۲۵. کتابی، احمد، «درآمدی بر اندیشه و نظریه های جمعیت شناسی»، چ ۴، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۷۷.
۲۶. کاظمی پور، شهلا، «مبانی جمعیت شناسی»، مرکز مطالعات و پژوهش های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه، تهران، ۱۳۸۸.
۲۷. کلینی، محمدبن یعقوب، «اصول کافی»، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۷.
۲۸. گاردنر، ویلیام، «جنگ علیه خانواده»، مرکز مدیریت حوزه های علمیه خاوران، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، قم، ۱۳۸۷.



Cockerham, W. Life style social class, Demmogrphic ۲۹  
and Health Behavior, hand book of Health Behavior  
Reseavh, New York: plemum poress, ۱۹۹۷.